

The Islamic dynasties

سلسله های اسلامی

.....

On the Prophet *Muhammad's* death at *Medina* in 11/632, four of his Companions, all closely related to him either through marriage or through blood, succeeded him as temporal leaders of the infant Muslim *umma* or community.

They assumed the title of *Khalīfa* or Caliph.

با وفات حضرت محمد ، پیامبر اسلام ، در مدینه در سال ۱۱ هجری ، چهار نفر از صحابه ایشان ، که همگی با او از طریق ازدواج یا بواسطه (نسب خونی) ، نسبت نزدیکی داشتند ، به عنوان رهبران امت تازه (نابالغ) اسلامی ، جانشین پیامبر شدند. آنها (چهار نفر) عنوان خلیفه را برای خود برگزیدند.

Companions / kəm'pænjənz / صحابه ، همراهان

Marriage / 'mæriɪdʒ / ازدواج

Temporal غیر روحانی ، موقتی ، دنیایی

Infant / 'ɪnfənt / کودک ، صغیر ، نابالغ

Community امت ، انجمن ، اجتماع

Assume / ə'sju:m / فرض کردن، قبول کردن ، به خود گرفتن

.....

Abū Bakr was the father of the Prophet's wife and '*Ā'isha*, and was one of his oldest and most trusted supporters.

ابوبکر ، پدر همسر پیامبر و عایشه بود ، و یکی از قدیمی ترین و مورد اعتماد ترین حامیان وی (پیامبر) بحساب می آمد.

Trust / trʌst / اعتماد کردن

.....

It was he who imposed the authority of the capital *Medina* over the outlying parts of the Arabian peninsula, such as *Najd*, *Bahrayn*, *Oman* and *Yemen*, after many of the Bedouin tribes had renounced their personal allegiance to *Muhammad* (the *Ridda* Wars).

پس از آنکه بسیاری از قبایل بدوی بیعت خودشان را نسبت به پیامبر ، انکار کردند (جنگ های رده) ، این ابوبکر بود که قدرت مدینه پایتخت را بر مناطق دور افتاده شبه جزیره عربستان ، همچون نجد ، بحرین ، عمان و یمن ، تحمیل کرد (اعمال کرد)

Impose / ɪm'pəʊz / تحمیل کردن ، اعمال نفوذ کردن

Outlying / 'aʊt.laɪɪŋ / دور ، دور افتاده ، پرت

Peninsula شبه جزیره

Renounce / rɪ'naʊns / رد کردن ، انکار کردن ، سرباز زدن

Allegiance / ə'li:dʒəns / بیعت ، وفاداری ، تبعیت

.....
Umar's daughter was also a wife of the Prophet, and it was under '*Umar's* vigorous direction that the martial energies of the desert Arabs were turned outside the peninsula against the Byzantine territories of *Syria*, *Palestine* and *Egypt* and against the *Sāsānid* Persian ones of Iraq and Persia.

دختر عمر نیز ، همسر پیامبر بود ، و تحت راهبری نیرومند (مدبرانه) او (عمر) بود که نیروهای جنگی اعراب بیابان، در خارج از شبه جزیره ، علیه قلمروهای بیزانس در سوریه ، فلسطین و مصر و بر علیه سرزمین ساسانی همچون عراق و ایران ، بکار گرفته شد. (به حرکت در آمد)

Vigorous / 'vɪgərəs / نیرومند ، قوی

Direction جهت ، هدایت ، رهبری

Martial / 'mɑ:ʃəl / !!! رزمی ، جنگی ، نظامی

Energy / 'enədʒi / انرژی ، نیرو

Desert / dɛzət / بیابان / dɪ'zɜ:t / ترک کردن

Turn چرخاندن ، به گردش درآوردن

توضیح:

در زبان فارسی هم چنین مواردی داریم مانند کلمه "ملک" که به چند حالت تلفظ می شود و هر کدام معانی خاص خود را دارد.

.....
Umar was also a capable organiser, and both the introduction of a rudimentary civil administration for the conquered provinces and the invention of the register or *dīwān* system for paying the Arab warriors' stipends are attributed to him.

عمر همچنین یک سازمانده توانا بود و دو کار مدیریت اولیه شهری (کشوررداری) در ولایات مفتوحه و همچنین ابتکار سیستم ثبت یا نظام دیوان برای پرداخت حقوق جنگجویان (مجاهدان) عرب ، را به او منسوب می کنند.

Capable / 'keɪpəbl / قابل ، لایق ، توانا

Introduction ، مقدمه ، ابداع

Rudimentary / ,ru:di'mentəri / ابتدایی ، اولیه

Conquered تسخیر شده ، مغلوب ، فتح شده

Invention اختراع ، ابتکار

Register ثبت ، دفتر ثبت ، دیوان

Warriors / 'wɔ:riəz / جنگجویان ، رزمندگان

Stipend / 'staɪpend / دستمزد ، حقوق

Attribute نسبت دادن ، منسوب کردن ، صفت

.....
It was he who further adopted the designation of *Amīr al-Mu'minīn* 'Commander of the Faithful', perhaps implying a spiritual as well as a purely secular, political element in his leadership.

بعلاوه این همو (عمر) بود که عنوان امیر المومنین را (برای خودش) گرفت ، شاید به این خاطر که (این عنوان) هم دلالت داشت هم بر وجه روحانی و همچنین یک وجه کاملاً دنیوی و عنصر سیاسی در رهبری محسوب می شد.

Adopted قبول کرد ، پذیرفت

Designation تعیین ، تشخیص ، اسم ، عنوان

Faithful مومن ، باایمان

Imply دلالت داشتن ، اشاره کردن

Spiritual روحانی ، معنوی

as well as همچنین ، و نیز

purely / 'pjʊəli / صرفاً ، کاملاً

secular / 'sɛkjʊlə / سکولار ، دنیوی

.....

'*Uthmān* was, through his wife Ruqayya, the Prophet's son-in-law, and was elected caliph after 'Umar's murder by a small council (*shūrā*) of the leading Companions, but his reign ended in a rebellion by discontented elements and his death in 35/656.

عثمان از طریق همسرش ، رقیه، داماد پیامبر بود ، و بعد از قتل عمر ، توسط شورایی کوچک از صحابه پیشرو ، به خلافت برگزیده شد اما خلافت او در نتیجه شورش عناصر ناراضی و با قتلش در سال ۳۵ هجری ، به پایان رسید.

Son-in-law داماد

Elect انتخاب ، برگزیده شدن

Council شورا ، مجلس

Discontented ناراضی ، ناخشنود

.....
This assassination inaugurated a period of strife and counter-strife, and for this reason it was later often referred to as *al-Bāb al-maftūh* 'the door opened.

این قتل ، دوره ای از نزاع و کشمکش های متقابل را براه انداخت ، و به همین دلیل بعدها غالبا به آن با عنوان الباب المفتوح ، اشاره می شود. (احتمالا منظور اینکه باب خلیفه کشی و فتنه در اسلام ، باز شد)

Assassination ترور ، قتل

Inaugurate / ɪˈnɔːɡjʊreɪt / برپا کردن ، آغاز کردن ، براه انداختن

Strife / straɪf / نزاع ، ستیز ، دعوا

Counter / ˈkaʊntə / پیشخوان ، ضد ، متقابل ،

Refer ذکر کردن، رجوع کردن ، اشاره کردن

.....
The last of the Rightly-Guided Caliphs, '*Alī*, was doubly related to *Muhammad* as his cousin and, through his marriage to Fāṭima, as his son-in-law, and as a child had been brought up with the Prophet.

آخرین خلیفه از خلفای راشدین، علی بود که ارتباط مضاعفی (نسبت به بقیه خلفای راشدین) با پیامبر داشت (از جمله اینکه) به عنوان پسر عمویش بود ، و بواسطه ازدواجش با فاطمه درمقام داماد (پیامبر) بود ، و کسی بود که از کودکی با پیامبر رشد یافته و پرورش پیدا کرده بود.

Doubly / dʌbli / دو برابر، مضاعف

Cousin / 'kʌzn / پسر عمو ، پسر خاله ، پسر عمه

marriage / 'mæriɪdʒ

son-in-law داماد

Brought up بزرگ شدن ، پرورش پیدا کردن

.....

Thus in the eyes of certain pious circles, those who later formed the nucleus of the *shī'at* 'Alī or 'party of 'Alī' (or simply, the Shī'a), he was particularly well fitted to succeed to the Prophet's heritage.

به همین دلیل ، در نظر محافل خاص پرهیزگار (مومنان خاص) ، (یعنی) همان کسانی که بعداً هسته شیعیان علی (ع) را شکل دادند ، او (علی ع) ، بویژه برای جانشینی و بدست گرفتن میراث پیامبر ، مناسب ترین فرد بود.

eyes / aɪz

Certain مسلم ، قطعی

Pious / 'paɪəs / پرهیزکار ، با تقوا

Circles حلقه ها ، دایره ها ، محافل

Nucleus / 'nju:klɪəs / هسته

Simply بسادگی ، حقیقتاً

Particularly بویژه

Fit مناسب بودن

.....

He was murdered in 40/661 by one of the *Khārijīs*, a radical, egalitarian group which had seceded from 'Alī's army; his son *al-Ḥasan* half-heartedly succeeded to the caliphate in Iraq, but was speedily bought out by *Mu'āwīya* and renounced his rights to the caliphate, which now passed to the Umayyads.

او (امام علی) در سال ۴۰ ق. توسط یکی از خوارج ، یک تندور گروه مساوات طلب که از سپاه امام علی ، جدا شده بودند، کشته شد. (سپس) حسن فرزندش ، با بی میلی به خلافت در عراق جانشین شد ، اما خیلی زود توسط معاویه خریده شد و از حقوق خودش برای خلافت کناره گرفت ، خلافتی که اینک به بنی امیه منتقل گردید.

Egalitarian / ɪˌɡæliˈteəriən / مساوات گرا، مساوات طلب

Seceded / siˈsiːdɪd / جدا شدن ، کناره گیری کردن

half-heartedly ، بی میلی ، نیمه قلبی

Speedily سریع ، خیلی زود

Bought out خریداری شد

Renounce انصراف دادن ، رد کردن

Passed / pɑːst / !!! عبور کردن، منتقل شدن، گذر کردن ، پاس دادن

.....

In later centuries, the age of the first four caliphs came to be regarded, through a somewhat romantic and pious haze, as a Golden Age when faith, justice and the pristine Islamic virtues flourished.

در قرون بعد، دوره این چهار خلیفه ، بواسطه اینکه تا حدودی فضای (غبار) رومانتیک (رویایی) و پرهیزکاری داشته ، به عنوان عصر طلایی که در آن ایمان ، عدالت ، و تقوای اسلامی اولیه را شکوفا کرده ، مورد توجه قرار گرفته است.

Romantic رویایی ، رومانتیک

Pious / ˈpaɪəs / با تقوا ، پرهیزکار

haze heɪz / مه ، غبار ، تیرگی ، ابهام

Faith ایمان

Justice / ˈdʒʌstɪs / عدالت

Pristine / ˈprɪstɪn / تر و تازه ، اولیه ، پیشین

Virtues / ˈvɜːtjuːz / تقوا ، پاکدامنی

Flourish شکوفا شدن ، رشد کردن